

امپریالیسم آمریکا میکوشد تا جمهوری اسلامی ایران را به جنگ برادرگشی بکشاند

حفظ و تامین آرامش و امنیت و مقابله قاطع با تشنج، درگیری و چماق‌داری - بهر شکل که بروز کند - سبک وظیفه انقلابی است.

ریاست جمهوری و «مجاهدین خلق» باید هر چه سریعتر و قاطعتر حساب خود را از «جبهه براندازی» جدا کنند.

عمده‌ترین مشخصات این توطئه عظیم را تشکیل میدهند، که در روزهای اخیر همه‌عناصر آن‌فعالانه به صحنه آمده‌اند.

یکی از مهمترین عناصر این توطئه بزرگ، تلاش برای کشاندن مردم در مقیاس سراسر کشور به گرداب درگیری و تشنج و ایجاد زمینه برای بی‌اعتبار کردن و بی‌ثبات کردن جمهوری اسلامی ایران، تضعیف انقلاب و در نهایت، مسخ و نابودی آنست.

بقیه در صفحه ۲

واقعاً روز ۱۴ اسفندماه ۵۹ در دانشگاه تهران، که به درگیری گسترده‌ای انجامید و فضای شهر را بکلی متشنج ساخت و بدنبال آن حوادث لایحان، که دو کشته بر جای نهاد و سپس گسترش تشنج در مشهد و برخی شهرهای دیگر، صرفنظر از تاسف و تأثیری که بر جای گذاشت، نور روشنگرانه‌ای بر توطئه عظیم ریخت که با تمام قوا توسط امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تدارک‌میشود و مراحل آخر خود را میگذراند. این توطئه، همانگونه که بارها و بارها توسط سخن‌گویان امپریالیسم آمریکا، بیان شده

است، هدفش در مرحله کنونی روی کار آوردن یک دولت «معتدل و معتدل و میانه‌رو» و یا بسختی دیگر، درستی از لیبرالها است. برای این منظور، امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تمامی نیروی خود را بکار گرفته‌اند، از وارد آوردن فشار اقتصادی، مالی و نظامی ناشی از جنگ تجار و کارخانه‌داران رژیم صدام حسین، که با تمام قوا از آن حمایت می‌کنند، گرفته تا تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری گسترده و بالنتیجه بی‌اعتبار کردن قانون و سلب کامل امنیت و سرانجام سوق دادن کشور به سوی جنگ برادرگشی داخلی،

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

کارگران و زحمتکشان بسوختگیه و مسئولیت انقلابی خود عمل میکنند و از توسل به حریم‌های اعتصاب، تحصن و درگیری در محیط‌های کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری میکنند.

دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را جدی بگیرد.

نامه

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۴
سه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۳ جمادی الاول ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

دولت انگلستان در توطئه نظامی آمریکا در خلیج فارس بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت میکند

ماجراجویی‌های خود در خلیج فارس بکشاند، بهیچ روی تازگی ندارد.

بقیه در صفحه ۲

نیز موید این ادعاست. از پشتیبانی نخست‌وزیر بریتانیا سیاست سرکوبگرانه ریگان علیه انقلابیون السالوادور و هواداری این دو متحد امپریالیستی از «دوختای جنایتکار سان‌سالوادور» که بگذریم، «چشمگیرترین نتیجه دیدار واشنگتن، طرح تشکیل «سپاه چندملیتی غرب در خلیج فارس» بود، که «آینه» اینبار نیز در پس باصطلاح «خطر شوری» و «تهدید کمونیسم» ارائه شد.

خاتم‌مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا، نخستین سیاستمدار یک کشور هم‌پیمان آمریکادار اروپای باختری بود، که پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، بدیسدار وی شتافت. ریشه این «اولویت‌سنجی» را در چارچوب «مناسبات ویژه‌ای» باید جستجو کرد که آمریکا با «سپاه» برای «پسرعموی» فرات و سلف کارکنه خود در سیدات استعماری و تراجنگرانه بر خلق‌های مستعبد شده جهان، لااقل در حریف، قائل هستند.

تشنج بر ژنف: جامعه شوروی، جامعه کار است، کار پر مضمون، جالب و خلاق

خلاصه آخرین بخش گزارش تئوید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به کنگره یستو ششم این حزب را بنظر خوانندگان نامه «مردم» میرسانیم:

این نخستین بار نیست که امپریالیسم آمریکا برای استوار مقاصد مداخله‌گرانه خود در خلیج فارس، «خطر شوری» و «تهدید کمونیسم» را بی‌راهن عثمان میکند. این نیز که دولت آمریکا میکوشد تا پای متحدان اروپای غربی خود را هم در

اما، همانگونه که حتی خود مطبوعات بورژوازی بریتانیا در آستانه مسافرت خانم تاچر وادار به اعتراف شدند، دولت لندن اینک بی‌سازمان از آنکه بعنوان «مشاور» واشنگتن حساب آید، نقش «کارگزار» آن را بازی میکند. نتایج دیدار اخیر

ضد انقلاب و محافل وابسته به آن در داخل کشور، توجه خاصی خود را به ایجاد اعتصاب، تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی معطوف داشته‌اند. این توجه خاص پس از شکست فعالیت خرابکارانه آنها در واحدهای خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، صورت می‌گیرد.

اخبار رسیده حاکیست که در ایجاد اعتصاب و تحصن، بویژه واحدهای بزرگ صنعتی منطقه جنوب تهران، در جاده قدیم کرج و ساوه، مورد نظر قرار گرفته است. هم‌اکنون در این ناحیه کارگران کارخانه شیشه و گاز در حال اعتصابند؛ در کارخانه بنزخاور تحریکات وسیعی در این زمینه در جریان است. یک واحد از کارخانه‌های کفش ملی، در پی حوادث چند روز گذشته، به اعتصاب ادامه می‌دهد. همچنین عوامل معینی به‌ادامه تشنج در شرکت واحد اتوبوسرانی ناحیه جنوب دامن می‌زنند. طبیعی است که ضد انقلاب در ایجاد اعتصاب و تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی روی نقاط ضعف جدی انگشت گذاشته است. عده پراخت‌موقع دستمزدها (مثلاً کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پنج ماه است حقوق دریافت نداشته‌اند)، گرانی و تورم، زیان فاحشی به دستمزدها وارد ساخته و توانایی را از زحمتکشان سلب می‌کند.

مسئله دریافت پاداش و سودویژه نیز با نزدیک شدن عید به‌بفرجه وضع، بویژه در واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی می‌افزاید، زیرا درحالی، که کارگران محق به دریافت پاداش،

بقیه در صفحه ۸

در فارس ضد انقلاب سازمان یافته دست اندر کار توطئه است

اکنون مدتی است که بعضی از واحدهای تولیدی و صنعتی استان فارس، آماج آشوبگری و فتنه‌انگیزی ضد انقلاب است. بنابر اخبار رسیده و موجود، توطئه‌گران با پختن شایعات گوناگون قصد دارند در کارخانه‌های بزرگ و واحدهای تولیدی و صنعتی، اعتصاب و تحصن راه بیندازند. شواهد مختلفی در دست است که بر اقدامات تخریبی و کارکنانه عوامل ضد انقلاب و عناصر لیبرال، که در اکثر موسسات تولیدی لانه کرده‌اند، دلالت دارد.

ضد انقلاب سازمان یافته، با همیاری عناصر طاغوتی و مائوئیست‌های امریکائی از هفته دوم اسفندماه دست به انتشار شایعاتی در کارخانجات پتروشیمی، پالایشگاه و واحدهای مختلف حقل لوله و مخازن زده‌اند.

در کارخانه پتروشیمی شایع کرده‌اند که: حق شیفت کارگران پتروشیمی شیراز از ماه آینده قطع خواهد شد.

در پالایشگاه شیراز تلاش میشود که با طرح حق پاداش و مسئله پاداش عیدی، زمینه را برای یک اعتصاب فراهم سازند.

در خطوط لوله و مخازن فارس هم شایعات مشابهی بطور وسیع براف انداخته‌اند. بدینسان ضد انقلاب میکوشد در این

بقیه در صفحه ۲

بر اساس اطلاعیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

در ادامه نبرد میان دلاوران انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی، ضربات سنگینی بر بیکر دشمن وارد آمد.

بر اساس اطلاعیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز شانزدهم اسفندماه، رزمندگان نیروی زمینی، مواضع قوای عراقی را در جبهه‌های میوان زیر آتش گرفتند و سه خودرو، دو بولدزر، چهار خمپاره‌انداز، دو

انبار مهمات و یک پست دیده‌بانی دشمن را منهدم کردند. در این حمله به پادگان عراق خساراتی وارد آمد و حدود بیست نفر از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. در این روز تبادل آتش در بیشتر جبهه‌های غرب ادامه داشت. ولی شدت مبادله آتش در میمک و کانس سخت بیشتر بود. در جبهه سرپل‌ذهاب سه نفر دو بولدزر، چهار خمپاره‌انداز، دو

بقیه در صفحه ۸

چه کسی و برای چه هدفی «جوسازی» میکند؟

«جوسازی»، بدانسان که ما معنای آن را می‌فهمیم، عبارتست از کوشش در راه تأثیر در افکار عمومی از طریق «دروغ‌پردازی» و تبلیغ و نشر افکار و اندیشه‌های

نادرست برای نیل به هدفهای ناسالم. «جوسازی» درحقیقت یکی از شاخه‌های «علم» عوام‌فریبی است

بقیه در صفحه ۷

توطئه‌گر داخلی. در اینجا هم آقای مهندس بازرگان آب تطهیر بر دستهای خونین پانده‌های جنایتکار درباره، ایادی رنگارنگ امپریالیسم از قبیل بقالی‌ها ریخت و حزب توده ایران را، که بویژه از ۳۰ تیر ۱۳۳۹، علیرغم غیرقانونی بودن، با اینکه زیر فشار انواع تهمینات قرار داشت و صدها نفر از اعضایش در زندان‌ها بودند، از دولت دکتر مصدق دفاع می‌کرد، «برچسب‌دار توطئه» دانست.

آقای مهندس بازرگان در اوج افترا زنی خود به حزب توده ایران، بر سخنان بالا افزود: «آنروز حزب توده بود که خیانت می‌کرد. (جمهوری اسلامی - ۱۶ اسفند ۵۹)

و لایه بخاطر همین «خیانت» بود که بعد از کودتای دستانه‌دسته توده‌ای را به جوخه اعدام بستند و گروه گروه به سیاهچال‌ها و شکنجه‌گاهها فرستادند، و به «بازرگان‌ها» که «خیانت» نکرده بودند، اجازه دادند در راس کارخانه‌ها به «خدمت» ادامه بدهند! و اما از حق نگذریم. آقای مهندس بازرگان، در کنار افتراهای

بقیه در صفحه ۲

آقای مهندس بازرگان، در سخنرانی به‌مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق، در اسفهان، باردیگر به افترا زنی علیه حزب توده ایران پرداخت، و در همانحال باردیگر شیوه تفکر سیاسی خود را نشان داد. آقای مهندس بازرگان مثل همیشه و درست مطابق سیاست خود در ۳۰ سال گذشته، نه تنها کلمه‌ای علیه امپریالیسم آمریکا نکتف، بلکه حتی از آوردن اسم آمریکا هم خودداری کرد.

باین ترتیب، توسط آقای مهندس بازرگان - باز هم مثل همیشه - آمریکا از برپا کردن کودتای ۲۸ مرداد تیره شد (عاملان شکست دکتر محمد مصدق باین ترتیب معرفی شدند:

«اتحاد و اتفاق» بود چه در خارج و چه در داخل علیه حکومت ملی دکتر مصدق، توطئه‌ای که در داخل برچسب‌دار آن حزب توده بود.» (میزان - ۱۶ اسفند ۵۹)

توطئه‌گر خارجی، که قبلاً توسط آقای مهندس بازرگان معرفی شده بود، انگلستان بود. البته، بزعم ایشان، انگلستان تنها نبود. «استالین و روسیه» هم به او کمک می‌کردند! بنابر این میباید

آقای مهندس بازرگان!

بجای افترا زنی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با برژینسکی را منتشر کنید!

سؤال از مجاهدین خلق

چرا در اجتماع روز ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در دانشگاه تهران، که «سازمان مجاهدین خلق» هم رسماً در آن شرکت کرده بود، حتی یک شعار علیه امپریالیسم آمریکا داده نشد؟

آیا «مجاهدین خلق» امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ایران و انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانند؟

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امپریالیسم آمریکا میکوشد...

بقیه از صفحه ۱

توطئه گران قبل از هر چیز بکلی امپریالیسم امریکای مبارزه با این شیطان بزرگ - دشمن اصلی مردم ایران را، که شعار اصلی انقلاب است، در پسرده نهاده اند و مبارزه را به آماجهای انحرافی، متوجه ساخته اند. خطی موهوم توده‌ها و «خطر شوروی» که از جانب دستگامهای تبلیغاتی امپریالیستی مطرح شده‌اند، در این حوادث بجای خطر واقعی و جدی امپریالیسم آمریکا، نشست. سازمان دهندگان توطئه‌های اخیر همچنین نهایت تلاش خود را بخرج دادند تا صحنه کشور را به رویارویی نیروهای انقلابی و مسئولان علیه یکدیگر بکشانند و بویژه با پنهان شدن در پشت سر رئیس جمهور و بیپناه حمایت از او، نهادهای انقلابی را، که عمده ترین نیرو-های حافظ انقلاب هستند، به باد حمله گیرند. توطئه گران در این کار از «مجاهدین خلق» نیز، که بدام آنها افتاده و پکلسی امپریالیسم آمریکا را به فراموشی سپرده اند، بهره گرفتند.

هدف دیگر حوادث اخیر که در راستای ایجاد بحران سراسری در نظام جمهوری اسلامی بعمل آمد، سلب کامل امنیت و نقض خشن و صریح قانون اساسی است. توطئه گران بپس وسیله و هر بهانه بر تشنج دامن زدند، درگیری آفریدند و زیر نام همه کس و همه چیز، بویژه بیپناه حمایت از رئیس جمهور، به همه چیز و همه کس حمله کردند. زمانیکه این سه هدف در اوج خود به نتیجه برسند، یعنی زمانیکه نام امپریالیسم آمریکا بکلی از آماج توجه نیروهای انقلاب خارج شود و بجایش

مچریان توطئه هفتم آمریکا چه کسانی هستند؟

ترکیب نیروهای که توطئه‌های اخیر را پدید آورده‌اند و بدان دامن میزنند، عبارتند از: ضد انقلاب سازمان یافته، عوامل ساواک، که یافاری هستند و یا رها از کنترل و مجازات، در میان مردم پنهان شده‌اند، لیبرال‌ها، مائوئیستهای آمریکائی، کلان- سرمایه داران و بزرگ مالکان. متاسفانه برخی از نیروها و عناصر فریب خورده‌ای که جای واقعی آنها در این جبهه نیست - مانند «مجاهدین خلق» نیز، عملاً در دام جبهه براندازی افتاده‌اند و با کمال تأسف و تعجب و نگرانی، رئیس جمهور نیز هنوز نتوانسته است، خود را از این جبهه جدا کند.

تمامی عناصر اصلی این جبهه متحد براندازی، در دو سال گذشته و در آزمونهای متعدد، دشمنی کین توزانه و سازش ناپذیر خود را با انقلاب، تمهید آن و دستاوردهای آن، آشکار ساخته‌اند:

از ضدانقلاب سازمان یافته و ساواکیها، که با نفوذ مخرب در همه ارگانهای جمهوری اسلامی و نیز در شکل گروههای متشکل و مخفی و مسلح در دو سال اخیر آمادگی خود را برای اجرای هر توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا نشان داده‌اند گرفته، تا لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که تمام نیروی خود را برای منحرف کردن شعار اصلی انقلاب ایران علیه شیطان بزرگ بکار انداخته‌اند، به تفرقه افکنی دامن زده‌اند و با حادثه آفرینی‌های متعدد، درگیری و تشنج را پدید آورده و آنرا پیوسته شدت بخشیده‌اند. از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان که از یک طرف توطئه گران را از نظر مالی تامین و تقویت و پشتیبانی کرده و از طرف دیگر علیه خواستهای بحق مردم زحمتکش و بویژه در جهت وخیم کردن وضع معیشتی آنها، توطئه کرده و برای ایجاد بحران اقتصادی کوشیده‌اند، همه و همه، متحد در عمل، به تحقق توطئه هفتم آمریکا یاری می‌رسانند.

در اینجا باید افزود که انحصار طلبی‌ها، قشری گریها، ندامت کاریها، زیاده رویها و اشتباهات برخی از نیروها در حاکمیت انقلابی، سرعت مورد سوء استفاده جبهه براندازی واقع شده است و میشود و تلاش برای ایجاد بدبینی و نارضایتی در میان مردم بر اساس سوء استفاده از این نارسائیه و زیاده رویها، از راه فعالیت مستمر و پیگیر نیروهای متشکله در این جبهه است.

چه باید کرد؟

گرچه جبهه براندازی دامن وسیع و خطرناکی به توطئه‌های

دولت انگلستان...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، اینک بظواهر به بیپناه حفظ «منافع حیاتی» خود در قبال «خطر کمونیسم» و در واقع برای پیشبرد مقاصد تجار کارانه و تاراجگرانه خویش علیه جنبش‌های آزادی بخش منطقه، بویژه علیه خلق‌ها و انقلابیهای ایران، افغانستان و فلسطین، عظیم ترین سپاه مسلح خود را از دوران جنگ دوم جهانی تاکنون، در منطقه خلیج فارس متمرکز ساخته است. از سوی دیگر، بیدرتگی پس از آغاز تجاوز دارودسته صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، گارتز از متحدان اروپای غربی خود و ژاپن خواست، که برای «تامین عبور آزاد از تنگه هرمز، به تشکیل «ناوگان مشترک» بپردازند.

شرکت بریتانیا در «سپاه چندملیتی غرب در خلیج فارس» دنباله منطقی اقدامات ستیزه جویانه دولت این کشور علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

یادآور می‌شویم که:

- ★ دولت مارگارت تاچر از نخستین کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» و «ناٹو» بود، که چه در گردهم آیی‌های ایسن دو اتحادیه امپریالیستی و چه در سازمان ملل متحد، از دسیسه براندازانه تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی فعال کرد.
- ★ تجاوز نظامی نافرجام «طیس» را مورد تأیید قرار داد و از شکست آن ابراز تأسف کرد.
- ★ پس از تجاوز دارودسته صدام حسین به ایران، بنابه توصیه دولت آمریکا، و پایپای آلمان

آقای مهندس بازرگان...

بقیه از صفحه ۱

که به حزب توده ایران زده، یک واقعت را هم درباره حزب توده ایران بیان کرده است:

«امروز هم اولین گروه که بر علیه دولت موقت مخالفت نمود و افشاگری کرد، حزب توده، فدائیان خلق و چپ‌ها بودند. (همانجا) آری، آقای مهندس بازرگان در اینجا درست گفته است: حزب توده ایران با سیاست دولت موقت مخالف بوده و هست. ولی این مخالفت جنبه شخصی ندارد و بر اساس پیشداری نیست. این مخالفت بدلیل این است که دولت موقت لیبرالها، همسو با منافع امپریالیسم آمریکا، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان حرکت می‌کرد و میخواست ایران را باریکتر به عراده امپریالیسم ببندد، سرمایه داری و بزرگ مالکی را حفظ کند، در یک کلمه انقلاب را مسخ کند و جاده صاف کن ضدانقلاب برای نابودی انقلاب باشد - یعنی سیاستی که هنوز هم لیبرالها آنرا ادامه میدهند. حزب توده ایران با هر نیروی که این سیاست را داشته باشد، مخالف بوده و هست و خواهد بود. بنابراین، این سیاست «زیرکانه» آقای مهندس بازرگان، که ابتدا حزب توده ایران را «عامل سقوط» دکتر مصدق می‌شمارد و بعد هم بلافاصله آنرا به امروز وصل می‌کند، تا دولت موقت را تبرئه کند و حزب توده ایران را بجای آمریکا زیر ضربه بگیرد، مثل آب در هاون کوبیدن بی‌ثمر است. آخر عین سخنان ایشان را همین چند هفته پیش، از هفت تیر کس جدید کاخ سفید همه شنیده‌اند.

سخن را خلاصه کنیم. آقای مهندس بازرگان! شما با این افتراها نمی‌توانید آب رفته را به جوی برگردانید. نمیتوانید سیاست سازشکارانه و تسلیم طلبانه دولت موقت را تبرئه کنید. نمیتوانید سیاست لیبرالها را که جاده صاف کن ضدانقلابند، توجیه کنید. لذا بهتر است بجای افترازی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با برزیسکی را منتشر کنید، تا مردم خود به قضاوت بنشینند.

خویش داده است و متاسفانه به علت آنکه مقامی مانند ریاست جمهوری نتوانسته است هنوز خود را از این جبهه جدا کند و نیروهای چون «مجاهدین خلق» هنوز به اشتباه عظیم خود پی نبرده‌اند، وضع فوق العاده بغرنج شده است؛ ولی مقابله با این توطئه خطرناک و خزنده، که کشور را به سوی جنگ برادر کشی داخلی، پیش می‌برد، هنوز میسر و ممکن است و اگر با هشتمیاری و قاطعیت و سرعت با آن برخورد شود، قابل مهار و دفع است.

وظیفه انقلابی همه مردم، همه نیروهای راستین انقلابی، همه مسئولان ایجاب میکند که: برای مقابله با این توطئه عظیم و خطرناک، یکایک شکردها و جنبه‌های توطئه خنثی شود. باید منحرف کردن اذهان و جو سیاسی کشور از خطر جدی و واقعی امپریالیسم آمریکا - از جانب هر کس و با هر نیت - بسود پیشبرد توطئه است. باید هر گونه تفرقه افکنی و تسلیم در برابر هر گونه شائنا را، که به تفرقه دامن بزند، محکوم کرد و با آن مقابله نمود. باید هر گونه تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری را، که قانون را بی اعتبار سازد و امنیت را سلب کند، قاطعانه عقیم گذارد. باید با شناسایی، تعقیب و دستگیری و مجازات سازمان دهندگان مهاجمینی، که طبق اسناد و شواهد متقن، ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکی-های کار کشته و جاسوسان «سپاه» آنها را رهبری می‌کنند، قاطعانه به خشکاندن ریشه چماقداری، که ۲۰ سال است با دامنه‌ای رو به گسترش امنیت و قانون را سلب و بر اعتماد مردم لطمه وارد کرده است، اقدام کرد و آزادیهای دموکراتیک را طبق قانون اساسی تامین و تضمین نمود. باید با اجرای سریع و قاطع قانون اصلاحات ارضی، دهقانان زحمتکش، یعنی نیمی از جمعیت را به پشتیبانی فعال از انقلاب جلب کرد و با اتخاذ تصمیماتی قاطع علیه تجار غارتگر بازار و سرمایه داران بزرگ توطئه گر و ضدانقلابی، با تصویب و اجرای سریع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، از گسترش تاراجیها، ممانعت کرد. رئیس جمهور و «مجاهدین خلق» نیز باید سرانجام بخود آیند و حساب خود را از جبهه براندازی هر چه سریعتر و قاطع تر جدا سازند.

اکنون لحظه‌ای بسیار حساس در تاریخ انقلاب بزرگ مردم ایران است. جبهه ضدانقلاب به رهبری و هدایت امپریالیسم آمریکا، تمام نیروی خود را برای وارد آوردن ضربت قطعی، بسیج کرده است. تمام نیروهای متعهد به انقلاب و علاقمند به سرفروشت آن نیز باید تمام نیروی خود را زیر رهبری امام خمینی برای خرد کردن توطئه، بسیج و متحد کنند.

غارت مسافری، که به خارج از شیراز می‌روند و یا از شهرهای دیگر به شیراز می‌آیند، می‌زنند. نمونه‌های آن: حمله عده‌ای مسلح و نقابدار (۱۱/۱۴/۵۹)، سحر گاهان به اتوبوسی که از ماهشهر به شیراز می‌آمد. در این حمله راهزنان پس از پیاده کردن مسافران و غارت پول و محتویات جیب آنها و زخمی کردن یک جوان و راننده اتوبوس، گریختند. در جریان این حمله، یک پاسدار نیز پشدمت مضروب شد. درست پیش از این حادثه، راهزنان درصدد برآمدند دو کامیون را غارت کنند.

واقع ۱۵ بهمن نیز، که هنگام بازگشت رئیس اداره تعاون روستا با قافله چند تن از پاسداران از فیروزآباد رخ داد و چند تن از جمله یک پاسدار و رئیس اداره توسط مهاجمین زخمی شدند، از جمله حوادثی است که توسط راهزنان و ضدانقلابیون مسلح برای ایجاد ناامنی و تشنج در استان صورت میگردد. همه این حوادث نشان میدهد که مقامات مسئول برای ایجاد امنیت و مبارزه با ضدانقلاب سازمان یافته در استان فارس، باید به اقدامات جدی بپردازند.

نیروهای ضدانقلاب زیر پوشش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. برای ضدانقلاب سازمان یافته، براه انداختن اعتصاب در کارخانه‌ها، ایجاد بلوا در سطح شهر، ایجاد ناامنی در جاده‌های میان شهرها، شایعه پراکنشی‌های گوناگونی که امروز در سطح شهرهای استان رایج شده، اختلاف بین مقامات مسئول استان، تجمع فئودالهای استان و هزاران ترافنددیگر، اهرم‌های مبارزه با انقلابند. این پایگاه اهریمی امپریالیسم، بسرکردگی امریکائی جانیاتکار، در تدارک مقدمات سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب است. باید برای خنثی کردن اعمال آنها بطور جدی و پیگیر مبارزه کرد.

در فارس ضدانقلاب...

بقیه از صفحه ۱

واحدهای تولیدی و خدماتی، کارگران را به بیپناه تامین خواستهای صنفی، رو در روی مسئولین دولتی و مراجع ذیصلاح قرار دهد.

در شهر شیراز کوششهایی بعمل می‌آیند تا فئودالها و خانهای مطرود استان متشکل شوند و با تشکیل باندهایی از قبیل جلسه «کشاورزان استان فارس» تصمیماتی اتخاذ کنند و دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را زیر فشار قرار دهند و زمین‌هایی که توسط روستائینان زحمتکش کشت شده بزرگ از آنها باز پس بگیرند. نمونه این تشبیهات زمین داران بزرگ و خانهای منطقه، وضع نهایت تشنج و خطرناکی بود که نزدیک بود در روستاهای داراب بوجود آید. دهقانان، که بدفاع از حقوق خود ایستاده بودند با تهدیدت های بزرگ مالکان منطقه روبرو شدند، ولی با پادرمیانی نهادهای انقلابی داراب و مقامات مسئول آن شهر تشنج بطور موقت، فروکش کرد. در شهر شیراز، این اواخر، در مدارس نیز تشنج بیایی صورت میگردد و پادگیریهای روزانه، ضدانقلاب تمام کوشش خود را بکار می‌برد که محیط شهر را به آشوب بکشاند.

شهر شیراز، که محل اسکان گروه کثیری از هموطنان جنگ زده خوزستانی ماست و مقامات مسئول تلاش خود را برای حل مسائل آنها بکار می‌برند، این روزها، بر کنار از دگرگیریهای ضدانقلاب نیست، که میکوشد مسئله آوارگان جنگ زده را دستاویزی قرار دهد. گروهکهای چپ‌نما و مائوئیستهای آمریکائی با پخش اعلامیه‌های متعدد در سطح شهر، بویژه در بین جنگ زدگان، به تحریک و تشنج مشغول‌اند. باندهای مسلح در خود شهر شیراز نیز لانه کرده‌اند و هر از گاهی دست به راه پندان و

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

چند پرسش و پاسخ درباره سالوادور

«جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی» از چه نیروهای تشکیل میشود؟

در اوایل سالهای ۷۰ جنبش پارتیزانی وسیعی در سالوادور پدید آمد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) سازمان «نیروهای مسلح آزادی خلق فارابوندو مارتی» بنیان گذاشته شد، که بویژه بر پروتاریای روستایی تکیه داشت. ارتش انقلابی خلق در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس یافت. این «ارتش» بخصوص با نظامیان و نیرو-های مسلح مبارزه می کرد. «نیروهای مسلح مقاومت ملی» در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) بنیانگذاری شد و عملیات آن بیشتر متوجه شعبه های کسرن های چند ملیتی بود.

گروه های نامبرده مدت ها هر یک برای خود می جنگیدند و تماس با پارتی با مردم و سازمان های توده های انقلابی نداشتند.

در زمستان سال ۱۳۵۸، «نیرو-های مسلح آزادی خلق»، «نیرو های مقاومت ملی»، «نیروهای مسلح آزادی بخش»، یعنی بازوی مسلح حزب کمونیست سالوادور، و «کمیته هماهنگی انقلابی» نخستین جبهه سازمان های مقاومت مسلحانه را پدید آوردند. این سازمان در اول خرداد ۱۳۵۹ (۲۲ مه ۱۹۸۰) ستاد مشترک فرماندهی را زیر عنوان «رهبری مشترک انقلاب» (درو) پایه گذاشتند. در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)، با وحدت سازمانی چهار گردان مسلح مقاومت خلق، «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پدیدار شد.

بیش از دو ماه پیش، یک گروه پنجم نیز، بنام «حزب انقلابی زحمتکشان آمریکای لاتین»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.

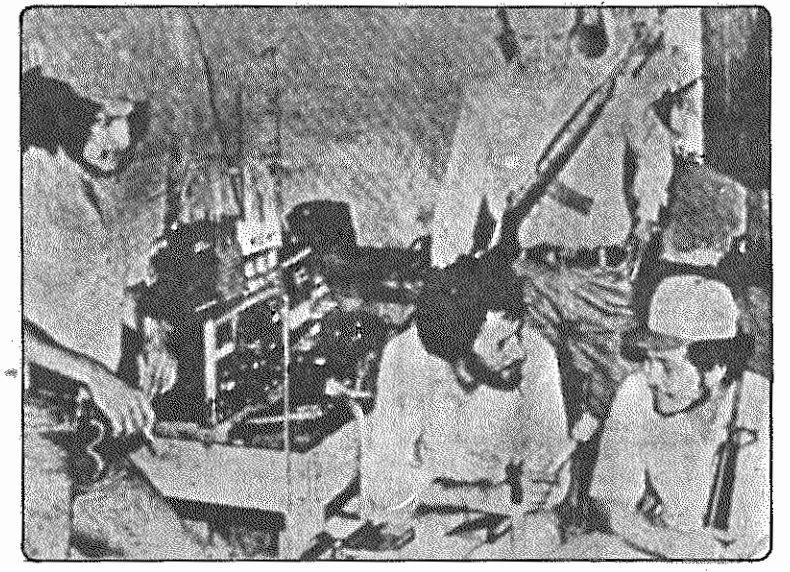
سیاسی پایه گذاشته شد. چهار سازمان نامبرده در ۲۲ دی ۱۳۵۸ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۰)، «کمیته انقلابی هماهنگی توده ها» را تشکیل دادند، که در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰) با سازمان بورژوازی - رفرمیستی «جبهه دمکراتیک» متحد شد و «جبهه دمکراتیک انقلابی» نام یافت.

اهداف «جبهه دمکراتیک انقلابی» چیست؟

- ۱- استقلال ملی
- ۲- اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بنیادی
- ۳- عدم تعهد
- ۴- شرکت زحمتکشان در روند نوسازی دمکراتیک
- ۵- تأسیس نیروهای مسلح جدید
- ۶- پشتیبانی از کارفرمایان ملی
- ۷- آزادی دین

نقش حزب کمونیست سالوادور چیست؟

حزب کمونیست سالوادور پنجاه سال پیش (در سال ۱۹۳۰) پایه گذاری شد. این حزب در سراسر حیات خویش «غیر قانونی» باقی مانده است. حزب کمونیست سالوادور نقش بس ارزنده ای در پیدایش جبهه متحد خلق داشته است. «حزب» با حفظ مواضع اصولی خود همواره اتحاد همه نیروهای خلقی و دمکراتیک را مد نظر داشته و در راه پیشبرد آن رزمیده است. حزب کمونیست سالوادور توانسته است همه اشکال مبارزه را به بهترین گونه ای با یکدیگر تلفیق بخشد. این حزب، از یکسو، از طریق «اتحادیه ملی - دمکراتیک» پایه «قانونی» برای کار وسیع توده های پدید آورده، از سوی دیگر، از راه «نیروهای مسلح آزادی بخش»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.



مرکز رادیوی «جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی»

«کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» چه وظایفی به عهده دارد؟

این کمیسیون در ۲۲ دی ۱۳۵۹ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۱) از سوی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» در شهر مکزیکو تأسیس یافت. بگفته صدر «جبهه دمکراتیک انقلابی»، «کمیسیون» وظیفه دارد که به تشکیل دولت اقدام ورزد. اعضای «کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» عبارتند از: دکتر گیلرمو مانوئل اونگو (جبهه دمکراتیک انقلابی)، روبین زامورا (جنبش سوسیال - مسیحی خلق)، خوزه رودریگز روتیز (نیروهای مسلح مقاومت ملی) فابوگاستیو (حزب انقلابی زحمتکشان آمریکای لاتین)،

«جبهه دمکراتیک انقلابی» چگونه تشکیل شد؟

حی پس از کودتای نظامی پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹)، پایای نیرو-های مقاومت مسلحانه، سازمان های توده ای دمکراتیک و انقلابی در سالوادور وجود داشت. مهم ترین آنها عبارت بود از: «اتحادیه ملی - دمکراتیک» بر رهبری حزب کمونیست سالوادور، «بلوک انقلابی خلق»، که پنج سال پیش (۱۹۷۵) بر پایه اتحاد سازمان های سدیگایی، دهقانی و دانشجویی پدید آمد، «جبهه مبارزه متحد خلق»، که هشت سال پیش (۱۹۷۴) شکل شد و بویژه در میان کارگران صنعتی عود داشت، و «جامعه خلقی ۲۸ فوریه»، که سه سال پیش (۱۹۷۷) پس از اتحاد سازمان های سدیگایی و



اگوستین فارابوندو مارتی

مسار یو آگینادا (حزب کمونیست سالوادور) و آنا گوادالوپه مارتینز (ارتش انقلابی خلق) از دیگر وظائف «کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» می توان کوشش دیپلماتیک برای جلوگیری از دخالت مسلحانه از خارج را نام برد.

در رهبری ارتش چه میگردند؟

ارتش، به عنوان ابزار حاکمیت الیکارشی، از امتیازات فوق العاده بهره مند می شود. «کانون افسران ارتش» وظیفه تأمین این حاکمیت و امتیازات را عهده دار است. در رهبری ارتش، مدت ها میان جناح راستگرایان شبه فاشیست و جناح اصلاح طلبان رقابت شدید وجود داشت. در دولت دوازدهم، سرهنگ گوتیرز و گارسیا (وزیر دفاع) نمایندگان جناح نخستین بودند. رهبر جناح اصلاح طلبان سرهنگ ماخانو، رئیس «نظامیان جوان» بود، که در سرنگونی ژنرال دیکتاتور، رومرو، نقش مهمی داشت. وی برای آنکه سرهنگ گوتیرز را از پشتیبانی از رومرو باز دارد، وی را در کابینه خود شرکت داد. اما در حدود سه ماه پیش «بازها» از ماخانو سلب قدرت کردند و بدین ترتیب از قدرت جناح او بس کاستند.

«فارابوندو مارتی» که بود؟

اگوستین فارابوندو مارتی، ۸۷ سال پیش (۱۸۹۳) در تئوتیهک دیده به جهان گشود. وی، پس از پایان دبستان و دبیرستان، در «دانشگاه ملی» به تحصیل پرداخت. فارابوندو مارتی بخاطر فعالیت های سیاسی مورد پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) به دستور رئیس جمهور و به اتهام «شورش» از کشور تبعید شد.

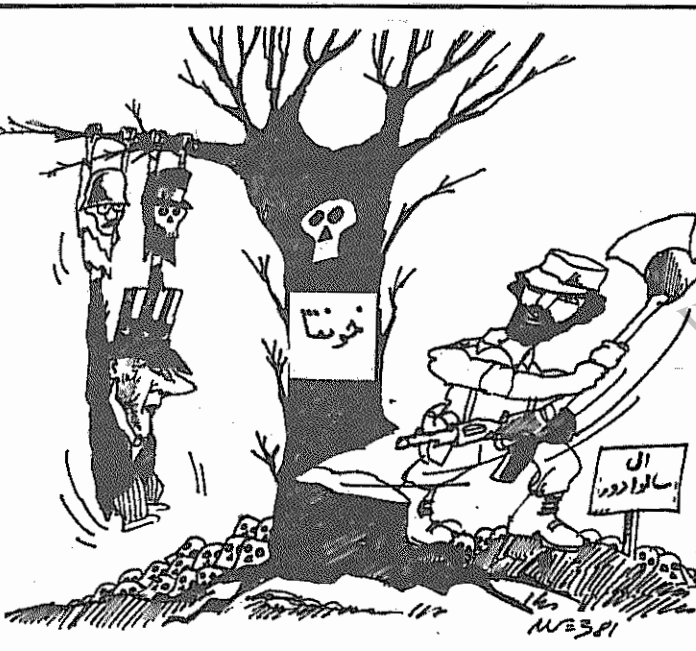
وی آنگاه به عنوان گروه بان در ارتش مکزیک به خدمت پرداخت و در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به سالوادور بازگشت و به تأسیس سندیکا های انقلابی دست زد. مارتی یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست سالوادور در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بود.

فارابوندو مارتی میهن دوستی عمیقاً انترناسیونالیست بود. او زیر فرمان ژنرال توگوستو سزار ساندینو، قهرمان حماسه آفرین نیکاراگوئه، در سپاه انقلابی خلق نیکاراگوئه (تأسیس: ۱۳۰۶ = ۱۹۲۷) علیه مداخله ایالات متحده آمریکا جنگید. ساندینو، مارتی را بخاطر دلوری هایش به درجه سرهنگی مفتخر ساخت.

در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲)، در آستانه رستاخیز دهقانان در سالوادور، فارابوندو مارتی به میهن خود بازگشت و به صفوف آنان پیوست. نظامیان سالوادور درست پیش از آغاز قیام، مارتی و برخی دیگر از همزمان او را ربودند و در تاریخ ۱۲ بهمن (۱ فوریه ۱۹۳۲) در گورستان مرکزی سان - سالوادور تیرباران کردند.

برخی دانستنیها درباره سالوادور

نام رسمی: «جمهوری سالوادور» (جمهوری سالوادور). تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۲۰۰ (برابر با ۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱). این کشور پیش از آن مستعمره اسپانیا بود. مساحت: ۲۱۰۴۱ کیلومتر مربع. جمعیت: ۴/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹)؛ ۴۲/۶ درصد سکنه در شهرها زندگی می کند. پایتخت: سان سالوادور (۸۰۰ هزار نفر). دیگر شهرهای عمده: سان آنا (۱۸۰ هزار نفر)، سان میگل (۱۰۸ هزار نفر)، مخیکانوس (۵۵ هزار نفر). زبان: اسپانیولی. برخی شاخص های اجتماعی، بیسوادی: ۴۳ درصد. شماره افراد به نسبت یک پزشک: ۳۵۹۲. انتظار عمر: ۵۶ سال. شماره ماشین سواری برای هر هزار شهروند: ۱۱. شماره تلویزیون برای هر هزار شهروند: ۳۳. وضع اقتصادی - اجتماعی: کشور کشاورزی - صنعتی سرمایه داری و عقب افتاده. تنها محصولات عمده: قهوه و پنبه. شماره زحمتکشان: ۱/۲۸۲ میلیون نفر (۴۷/۲ درصد در کشاورزی، ۱۰ درصد در صنایع تبدیلی). فرآورد ه ناویژه اجتماعی سرانه: ۶۰۰ دلار. تقسیم زمین: ۱/۵ درصد اهالی ۴۹/۴ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار دارند. مهم ترین فرآورده های صادراتی: قهوه (۵۲ درصد صادرات)، پنبه (۱۱/۹ درصد صادرات)، فرآورده های صنایع تبدیلی (۱۱ درصد صادرات).



«خوزه ناپلیون دوارته» کیست؟

دوارته در سال های شصت «حزب دمکرات مسیحی» را بنیان نهاد. وی هشت سال پیش (۱۹۷۲) با برنامه اصلاحات اجتماعی خود در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. اما نظامیان او را مجبور کردند که کشور را ترک گوید. دوارتمس از کودتای پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹) از تبعید ونزوئلا به مین بازگشت. هنگامی که اعضای غیرنظامی «خونتا» (از جمله اونگو، صدر کنونی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و سلف مقتول او، آلوارس کوردوبا) استعفا کردند، او و اعضای حزب او به کمک «خونتا» شتافتند و به زور ارتجاع افزودند. پس از استعفا دادا هیرسی از «خونتا» در رهبری حزب دمکرات مسیحی انشعب شد و اکثریت اعضای حزب به «جبهه دمکراتیک انقلابی» پیوستند. دوارته ۵۴ ساله در «خونتا» ماند و مقام ریاست جمهوری را از نظامیان «پاداش» گرفت. دوارته اکنون بیش از هر دیگری در دست نظامیان نیست.

«دکتر گیلرمو مانوئل اونگو» کیست؟

پس از آنکه هم رهبران «جبهه دمکراتیک انقلابی»، از جمله نریکه - آلوارس کوردوبا، صدر «جبهه» در روز

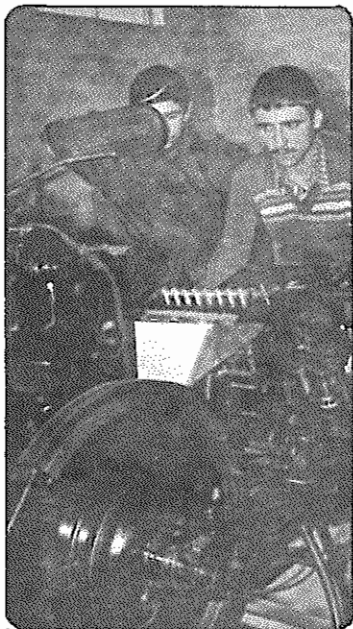
۲۶ آذر ۱۳۵۹ (۲۷ نوامبر ۱۹۸۰) از سوی راستگرایان افراطی بقتل رسیدند، گیلرمو مانوئل اونگو در ۱۳ دی ۱۳۵۹ (۳ ژانویه ۱۹۸۱) به ریاست «جبهه دمکراتیک انقلابی» برگزیده شد. دکتر اونگو دبیرکل «جنبش ملی - انقلابی» است که حزبی سوسیال دمکرات، ولی در مقایسه با احزاب مشابه در اروپای غربی بسیار مترقی است. وی تحصیلات خود را در «اونیورسیداد سنترال آمریکا» به پایان رسانید. این دانشگاه اکنون در سان سالوادور به یکی از کانون های عمده جنبش مقاومت تبدیل شده است. دکتر اونگو پس از کودتای نظامی علیه ژنرال دیکتاتور رومرو به اتفاق آلوارز کوردوبا، در «خونتا» عضویت داشت، اما در زمستان سال پیش (ژانویه ۱۹۸۰) استعفا کرد و به جنبش مقاومت پیوست.

«اوردن» چیست؟

«اوردن» بزرگترین سازمان شبه نظامی تروریستی در سالوادور است. این سازمان مسئولیت قتل هزاران میهن دوست را به عهده دارد. «اوردن» زیر سرپرستی مستقیم رئیس جمهوری عمل می کند و افراد آنرا «داوطلبان ارتش»، «گارد ملی»، «پلیس، کارآگاهی، پلیس سیاسی، سازمان های امنیت کنسولی و لشگری، دزدانی و زاندارمری تشکیل می دهند.

کارگران چاپخانه های زنجان:

مابه پیروزی بر امریکامی اندیشیم



مشکلات را به خاطر پیروزی تهنائی انقلاب تحمل می کنیم

در شهر زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه کارگاهها متفاوت است. برای مثال چاپخانه "اقتصاد" چهارمیلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دومیون ریال است.

تعداد کارگران ثابت هر یک از چاپخانهها حدود ۲۵ نفر است، که در قسمت های مختلف کار می کنند. در ۲ کارگاه از کارگاههای زنجان، تنها ماشین ملخی وجود دارد و در ۳ کارگاه دیگر، علاوه بر ماشینهای ملخی کوچک ماشین بزرگ ژاپنی و افست نیز موجود است.

در چاپخانهها محیط کار، به علت پخش ذرات سرب در فضای کارگاه، آلوده می شود و لازم است که برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت کارگران کارگاهها به تهبویه مجهز شوند. البته این مقررات در چاپخانهها رعایت نمی شود و در نتیجه کارگران مبتلا به انواع ناراحتیهای چشمی، تنفسی، اعصاب، سردرد و واریس می شوند.

کار روزانه کارگران ۸ ساعت (۴۵ ساعت در هفته) است، ولی کارگران به دلیل کمی دستمزد، مجبور هستند اضافه کاری کنند. قوانین کار در مورد بیمه، بهداشت محیط کار، حق مسکن و خواربار شامل حال آنها نمی شود و دستمزدها بسیار پایین است.

یکی از مشکلات اساسی کارگران چاپخانههای شهر زنجان، نداشتن یک سندیکای واقعی است. کارگران برای بهبود وضع زندگی شان خواست های صنفی و اجتماعی دارند که، برای تحقق بخشیدن به این خواستها نیازمند برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمن های صنفی خود هستند. شکل کارگران در سندیکا، سازمانی که قادر به دفاع از انقلاب و موجب اتحاد کارگران باشد، گامی است در جهت برآوردن خواست های قانونی و به حق کارگران.

باتنی چند از کارگران در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران بنام علی رستمی، که قبلا کارگر ساختمانی بوده است، در باره جنگ تحمیلی می گوید:

"صدام به تحریک آمریکا به ایران تجاوز کرده است. اگر به وجود من احتیاج باشد، با کمال میل حاضرم به

جبهه جنگ بروم. ما برای پیروزی انقلاب هرگونه مشکلی را تحمل می کنیم". درباره محکومان و سرمایه داران بزرگ نیز می گوید: "آنان برای فلج کردن اقتصاد مملکت و انقلاب عمل می کنند. دولت باید با آنها مقابله کند". درباره سندیکای می افزاید: "اگر کارگران هنگام و در سندیکا متشکل شوند، بهتر می توانند به انقلاب خدمت کنند".

مشکل شوند، تا هم بتوانند ضایع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه به پیروزی دستاوردهای انقلاب بپردازند. وی در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا می گوید:

"امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر آن هستند که با تدارک و اجرای توطئه های گوناگون، انقلاب ایران را درهم بشکنند و جمهوری اسلامی ایران را نابود کنند. ولی کشورهای دوست نیز از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنند و آماده هرگونه کمک و یاری به ما هستند".

بایکی دیگر از کارگران به گفتگو می نشینیم. او حدود ۱۹ سال دارد. فعلا ترک تحصیل کرده است و مدت ۳ سال است در چاپخانه کار می کند. او در مورد تدوین قانون جدید کار می گوید:

"قانون کار باید به وضع کارگران رسیدگی کند و به سود کارگران باشد. وزارت کار دولت باید از کارگران کاملاً حمایت کند. تدوین و اجرای قانون انقلابی کار را از جمله این اقدامات است".

با کارگر دیگری بنام اباصلت رفیعی گفتگو می کنیم. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده است و سپس به علت مشکلات مالی، مجبور به ترک تحصیل و کار در قالی بافی ها و چاپخانه شده است. او درباره مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی رژیم صدام می گوید:

"گرانی و دیگر مشکلات را ما تحمل می کنیم. در زمانی که پاسداران و سربازان در جبهه شهید می شوند، ما چگونه می توانیم به این چیزها فکر کنیم؟ ما به پیروزی بر آمریکا فکر می کنیم".

- کارگران باید در سندیکاهای متشکل شوند، تا هم بتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه به پاسداری از دستاوردهای انقلاب بپردازند.
- قانون کار جدید باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند.

درباره تدوین قانون کار نیز معتقد است: "قانون کار باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد". با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکا می گوید: "کارگران باید در سندیکاهای

درباره تدوین قانون کار نیز معتقد است: "قانون کار باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد". با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکا می گوید: "کارگران باید در سندیکاهای

کارگران راه آهن میانه:

پیگیر وقایع در راه دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن

بازه سندیکا می گوید: "در زمان طاغوت سندیکایی تشکیل داده بودیم که بهم زدن و گفتند که به سندیکا احتیاج نیست، هر قسمتی نماینده انتخاب کند، تا ما به وسیله آنها باشما ارتباط برقرار کرده، مشکلاتتان را حل کنیم. ما هم نمایندگان انتخاب کردیم و مشکلاتمان را به آنها گفتیم، تا آنها با مقامات به صحبت بپردازند. ولی وقتی آنها با نمایندگانمان مواجه شدند، به آنها گفتند که: آقا احتیاجی به نماینده نیست. هر وقت در کارتان مشکلی دیدیم خودمان حل خواهیم کرد. و بدین ترتیب آنها را روانه کردند و از آن پس تا حال سندیکا نداریم".

از وی درباره تجاوزه رژیم صدام به ایران می پرسیم. می گوید: "به نظر من آمریکا اول شروع کرد به توطئه چینی، ما برای طیس را بوجود آورد، ولی چون دیدکاری از پیش نبود، به حیل دیگری متوسل شد و این بار عراق را به سراغ ما فرستاد و در این راه دوستان نزدیکش چون اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان و غیره به او کمک کرده می کنند".

وی همچنین درباره وظیفه کارگران در این موقعیت حساس می گوید: "وظیفه تمام کارگران در این موقعیت این است که بیش از پیش، با جدیت هر چه تمامتر کار کنند، حتی اگر شده در کارخانهها اضافه کاری کنند، تا ضمن درهم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا، با تولید زیاد تر در خدمت انقلاب و جبهه باشند".

او در پایان از مردم خواست که "با صرفه جویی انقلابی ثابت کنند که همانطور که آمریکا نتوانست در ایران کاری بکند، عراق هم نمی تواند کاری از پیش ببرد".

بیش از ۲ سال از پیروزی انقلاب شکوهمندمان می گذرد، ۲ سال پراز فراز و نشیب. در این مدت امپریالیسم آمریکا، چون پلنگ تیرخورد های، یک آن از دشمنی با کشور ما غافل نبود. پشت سر هم توطئه چید، تا شاید انقلابیون را به شکست بکشاند و در این راه هنوز هم از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. زحمتکشان ایران و در رأس آن طبقه کارگر درخشنده کردن این توطئهها نقش طاعن خویش را بار دیگر عیان ساختند. آنان نشان دادند که به هیچ وجه حاضر نیستند پیروزی انقلابی را که متعلق به آنهاست، از دست بدهند، آنان ثابت کردند که همچنان که در موقع انقلاب بازوی اصلی آن بودند، در مقابل توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکانیز در صف مقدم جبهه هستند.

کارگران راه آهن نیز، چون دیگر کارگران ایران، در پی سالها حکومت "آریامهری"، "جز فقر، بدبختی نابسامانی و در بسداری چیزی دیگر عایدشان نشد و بدین سبب دوش بدوش سایر کارگران بارزیم گذشته جنگیدند و امروز نقش عظیم خویش را جهت حفظ دستاوردهای انقلاب همچنان ایفا می کنند.

عوضعلی فتحی، یکی از این کارگران است که به همراه کارگر دیگری در کنار "فیروز کورپی سی" میانه به شغل راهداری مشغول است. یکی روزها و دیگری شبها به کار نگهبانی می پردازند. عوضعلی کارگری است که ۲۴ سال سابقه کار دارد و می گوید:

"مادر زمان طاغوت با انواع مشکلات مواجه بودیم، که مهم ترین آنها کمی دستمزد بود. مثلاً من خودم با ۶۰۰ تومان حقوق ماهانه مجبور بودم خرج ۷۰۰ سرتااله را بدهم. ولی پس از انقلاب حقوقم به ۲۸۴۴ رسید. اما دستمزد ما ۲۵ کارگر کار می کنند، که همگی وضعی مشابه وضع من داشتند. گذشته از آن، پس از انقلاب استخدام رسمی شدیم و توانستیم از بعضی از قوانین کارگری استفاده کنیم. البته این راهم باید بگوییم که نابسامانی در وضعمان پس از انقلاب هم مشاهده می شود، مثلاً کفش و لباس زمستانی و غیره هنوز هم به ما نمانده اند، ولی ما امیدواریم که اینها هم رفع شود. وی در ادامه حرف هایش در

در کارخانه های ذوب مس زنجان چه میگذرد؟



در جهاد مقدس کار، تا بزانو در آوردن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا به پیش!

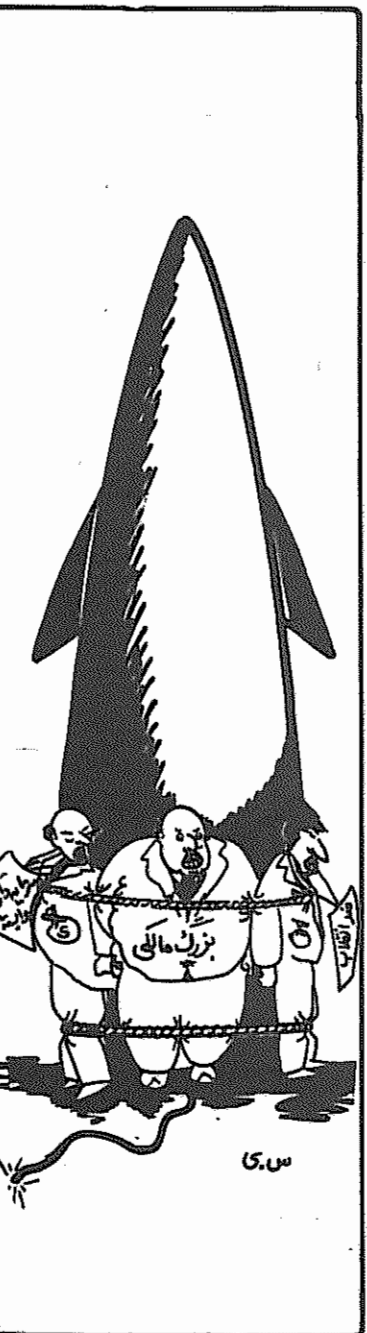
اولین کارخانه ذوب مس زنجان بیش از ۲۰ سال پیش، با یک دستگاه ذوب مس و ورق سازی شروع به کار کرد. بعدها که صنعت مسگری در این شهر توسعه زیادی پیدا کرد، به تعداد این کارخانهها نیز افزوده شد، بطوری که امروز در حدود ۷ کارخانه در مناطق غرب مشغول بکارند، که تعدادی از آنها دارای ۲ یا ۳ دستگاه هستند.

تولید این کارخانه ها ورق مس است، که آنرا از ذوب کردن سنگ مس و خالص کردن آن بدست می آورند. در این کارخانه ها بیش از ۶۰ کارگر در شرایط دشوار کار مشغول به تولید هستند. بیشتر کارگاه های این کارخانه ها غیر بهداشتی و دود گرفته است و هوای آلوده به انواع دوده های ناراحت کننده، که از داخل کوره ها وارد فضای کاری می شود، سلامت کارگران را در معرض تهدید دائمی قرار می دهد. گرمای بیش از حد کوره ها نیز خود خطری است جدی برای سلامت کارگران.

در بیشتر کارخانهها کارگران هیچ گونه تشکیلی، چون سندیکا و یا شورا ندارند و از برخی قوانین کار، از جمله بیمه نیز برخوردار نیستند. تا کنون هم هیچگونه اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. عباس، یکی از کارگران، می گوید:

"ما از بعضی قوانین کار برخوردار

نیستیم. صاحب کارخانه تا بحال از همه ما رونوشت شناسنامه و غیره گرفته، ولی به اداره بیمه نبرده است. وقتی هم که اعتراض می کنیم، می گویند فردا تعطیل است و به کارخانه نیاید و ما را به اخراج تهدید می کند. کارمان هم خطرناک است. اگر دستم یک بار زیر ماشین برود، دیگر از کار می افتیم و یک خانواده شش نفری بدون سرپرست می ماند، چون نان آور دیگری ندارند". بعد از انقلاب کارگران این کار-



"ما مواد اولیه را از بنگاهایی تهیه می کنیم که آنها از خارج (کویت) وارد می کنند، و چون به میل خود قیمت ها را بالا می برند، ما مجبوریم آن را گران بخریم، در نتیجه تولید این کارخانه هم گران در می آید، و در همین ارتباط قیمت تولیدات مسی نیز گرانتر می شود. دولت می تواند با مالی کردن بازرگانی خارجی، واردات را خود در دست بگیرد، تا قیمت آن را کنترل کند، و به ما هم وام صنعتی جهت توسعه کارخانه بدهد، تا بتوانیم مقدار تولید را بالاتر ببریم".

کارگران صنایع ذوب مس از بسیج مستضعفان و دیگر نهاد های انقلابی می خواهند که در کارخانه ها به آنها آموزش نظامی بدهند، تا در مقابل هر نوع تجاوز امپریالیسم آمریکا آمادگی مقابله داشته باشند. آنها می گویند:

"امروز که جوانان ما در مرز در مقابل تجاوز نظامی صدام به مقابله برخاسته اند، وظیفه ماست که تا آنجا که می توانیم، تولیدمان را بیشتر کنیم و با کار بیشتر علیه محاصره اقتصادی مبارزه کنیم و نگذاریم که کشور احتیاج به محصولات خارجی پیدا کند. اکنون که انقلابمان مرحله حساسی را می گذراند، وظیفه دولت است که با اقدامات انقلابی، قدم های موثری برای حل مشکلات زحمتکشان بردارد، تا آنها با خطری آسوده در راه انقلاب و تولید زیاد تر کام بردارند".

تابند «ج» اجرا نشود، بزرگ مالکان به توطئه و زور گوئی ادامه خواهند داد

چگونه فتودال ها بال و پر گرفتند

روستاییان میهنمان، که سالها در زیر ظلم و ستم مالکان و اربابان وابسته به رژیم طاغوت کمرشان خم شده بود، بعد از انقلاب، با کمک و نظارت نهادهای انقلابی، برای کشت همه زمینها اقدام به گرفتن اراضی بزرگ مالکان کردند. آنها پیام امام خمینی، رهبر انقلاب، را مبنی بر تولید هرچه بیشتر محصول، با گوش جان شنیدند و شروع به کشت کردند.

در این اواخر، مالکان بزرگ به توسط ایادیشان و لیبرالها و روحانی نمایان، با استفاده از محاصره اقتصادی و وضع خنگی و دشواری کثونی و نیز توقف بند «ج»، دوباره به میدان آمده و شروع به غصب زمینهای دهقانان کرده اند. آنها گاه از همکاری عناصر ناپاب و مشکوکی که توانستند در درون دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی رخنه کنند، برخوردار می شوند. عمال زمین داران بزرگ، علاوه بر آن که عده ای از جوانان دلیر و پرشور انقلابی عضو نهادهای انقلابی را کشته یا تهدید به قتل کرده اند، موجودیت و اثربخشی این نهادهای انقلابی و از جمله هیئت واگذاری زمین را مورد حمله قرار می دهند. آنها می خواهند، با تضعیف این نهادها، آب رفته را بحوی برگردانند و دوباره همان روابط ظالمانه گذشته را حاکم کنند. چند نمونه ای که در زیر یادآوری می شود، با مثالهایی از روستاهای اطراف نوشهر، گرگان، بروجرد و فیروزآباد فارس، نشان می دهد که خطر بزرگ مالکان و عمال آنها، خطری جدی است و باید بند «ج» هرچه زودتر اجرا و دست غارتگران کوتاه شود.

در کرج زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار توسط هیئت هفت نفری مصادره شد. خواست این هیئت، که صاحب این اراضی خود را معرفی کند، بدون جواب ماند. هیئت ۷ نفری هم این زمینها را به دهقانان واگذار کرد. بعد از چند روز که دهقانان شروع به شخم زدن زمینها کردند، سروکله مالک زورگو پیدا شد و چون در درون دستگاههای دولتی نفوذ داشت، توانست دوباره زمینهای متعلق به دهقانان را غصب کند. تکلیف این اراضی هنوز معلوم نیست و این زورگویی دیگر قابل دوام نیست.

چندی پیش توسط روستاییان اطراف شهرستان گرگان و با همکاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران آن منطقه، اراضی یک بزرگ مالک مصادره و به دهقانان واگذار شد. اما او به کمک ایادی خود، که در دستگاههای دولتی نفوذ دارند، به سرزمینها بازگشت و آنها را از دهقانان گرفت. او بسیار سعی می کند که میان دهقانان و نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تفرقه بیندازد و مدعی است که فقط او می تواند زمینها را «بارور» کند. مالک می خواهد با عوامفریبی سرپوش بر روی اعمال ضدانقلابی خود بگذارد. اما دهقانان یقین دارند که در آینده نزدیک زمینهایی را که متعلق به خودشان است، پس خواهند گرفت. همان طور که از نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین و مقامات مسئول انتظار می رفت، آنها جانب دهقانان را گرفته اند.

در حدود ۶ ماه قبل، اهالی روستاهای واقع در ۴ کیلومتری غرب بروجرد، زمینهای ارباب را گرفتند و میان خود تقسیم کردند. بعد از چند روز ارباب، که فرار کرده بود، به کمک روحانی نمای ده به روستا بازگشت، و در نتیجه تشنات او، ۲ نفر از نمایندگان دهقانان را دستگیر و در شهر زندانی کردند. این عمل باعث خشم روستاییان شد. بیداد مالک و روحانی نما به قدری آشکار و غیرقابل

در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب: بهشتی، خواستار اجرای مجدد و سریع بند «ج» اصلاحات ارضی اسلامیان هستیم. در قسمت دیگری از این قطعنامه

گرفت، روستاییان همچنان هشیارانه خواستار قطع نفوذ خانها و فتودالها هستند. آنها از مقامات مسئول می طلبند که به حساسیت وضع استان و خطر توطئه های خوانین توجه کنند و برای جلوگیری از ایجاد کانونهای تشنج و درگیری، هر چه زودتر قانون اصلاحات ارضی و خصوصاً بند «ج» این قانون را، به سرپرستی هیئت های واگذاری زمین، به اجرا گذارند. بدنبال اظهارات مقامات مسئول در دولت و در ستاد زمین و در مجلس شورای اسلامی، امید دهقانان فارس این است که مجلس، هر چه فوری تر، تکلیف مالکین بزرگ را روشن و دست آنها را کوتاه کند.

عناصر مشکوک و توطئه گر در شهرستان داراب، حربه اساسی فتودالها برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوبه آن، برای ایجاد درگیری و تشنج در شهر و اعمال فشار به دولت هستند. آنها مدتی است که برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی تلاش می کنند. در مقابل نهاد سازندگی و سپاه پاسداران، پشتیبان روستاییان و خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند و وظیفه خطیر خود را در دفاع از انقلاب با سربلندی، علیرغم مشکلات بسیار، به انجام می رسانند.

بزرگ مالکان منطقه ایده موجب قتل کشاورزی بنام جعفر از روستای کور- پرویز و کشاورز دیگری بنام علیمراد از روستای تل فالج سادات می شوند. ۴ نفر هم در این میان مجروح گردیدند. حادثه بدنبال دادن حکم کشت زمینها از طرف سپاه پاسداران به سادات حسینی- ها رخ داد. قاتلین توسط سپاه پاسداران و دیگر ماورای دستگیر شدند، ولی مرکز توطئه و تشنج، که بزرگ مالکان هستند، تا بند «ج» کاملاً اجرا نشود، از بین نمی رود. اینگونه کشتارها، که در نامه «مردم» قبلاً هم پیرامون آن توضیح

ساواکیها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیبرالها شرایط دشوار کنونی را برای اجرای هدفهای پلید خود مناسب دیدند و فعالیت ضدانقلابی خود را تشدید کرده اند. آنها به خیال خام خود می خواهند نگذارند انقلاب به پیش رود. ولی بزرگ مالکی آخرین روزهای عمر منحوس خود را می گذرانند. روستاییان ماهشمارتر از آن هستند که بگذارند این نوکران و طرفداران شیطان بزرگ کاری از پیش ببرند. آنها می دانند که بهترین وسیله برای جلوگیری از اعمال تنگین این عده، اتحاد آنها و تحمل دشواریهای برخاسته از جنگ و سرکوب توطئه همین عناصر و فاش کردن دسایس و شایعه پراکنیهای بزرگ مالکان است.

از آنجا که کار بسیاری از بزرگ مالکان به توطئه و تحریک و آدم کشی و قانون شکنی کشیده، لازم است که مقامات مسئول این عده توطئه گر را شناسایی و دستگیر کنند و به سزای اعمال ضدانقلابی شان برسازند. در اینجا سرنوشت انقلاب مطرح است. سهل انگاری اصلاً جایز نیست.

خوشبختانه نهادهای انقلابی، به ویژه سپاه، جهاد و هیئتها به رسالت بزرگ خود وفادارند و با هواداری از دهقانان و حق مسلم و قانونی آنها، در تحکیم جنبه انقلاب می کوشند. اینک دیگر آشکار است که اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی واجب است، واگذاری زمین به روستاییان بی زمین، یعنی اجرای عدالت و دادن حق به حقدار، موجب می شود که دهقانان به انقلاب امیدوار شوند و در حمایت از آن، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران، با تمام نیروی خود بکوشند و خود جلو توطئه های عناصر خود فروخته و مزدور بزرگ مالکان را بگیرند.

اجرای بند «ج»، زمین را زیر پای توطئه گران سست می کند، قدرت سازمان دادن تحریکات و تشنجات را از بزرگ مالکان می گیرد و شر این غارتگران خونریز و فاسد را از روستاها دور می کند.



توطئه لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها را محکوم می کنیم

دهقانان قوچ حصار و سلمبر طی نامه ای به حضور آیت الله منتظری، نگرانی خود را از توقف بند «ج» اعلام میکنند. عین متن نامه آنها را با هم می خوانیم.

بسمه تعالی حضور محترم آیت الله منتظری

مادهقانان و دیگر اهالی دو روستای قوچ حصار و سلمبر پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام میکنیم ما همچنین پشتیبانی کامل خود را از کلیه نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران، هیئت های هفت نفره و جهاد سازندگی و... اعلام کرده و سپاسگاری کامل خود را از اقدام های جهاد سازندگی در این دو روستا اعلام میکنیم. ما توطئه های لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها و سرمایه داران را محکوم می کنیم و نگرانی خود را از توقف بند ج که مربوط به تقسیم زمینهای بزرگ مالکان است اعلام میکنیم، واز آن حضرت عالی استدعا داریم تا در جهت رفع موانعی که در سر راه این قانون قرار گرفته کوشا باشند. تاستونهای محکم جمهوری اسلامی که همان حاکمیت مستضعفین است پایه گذاری شود.

درود بر رهبر عظیم الشان انقلاب امام خمینی

حرکات ضدانقلابی فتودالها، افزونی بخشند. در این قطعنامه، همچنین از تمام نهادهای انقلابی، که صداقت خود را در محل نشان داده اند، بخصوص سپاه پاسداران انقلاب، پشتیبانی شده و اعمال گروهکهایی که جهت اجرای دسایس شیطان بزرگ صورت می گیرد، محکوم گردیده است.

مردم دشت مغان و پارس آباد خواستار اجرای فوری بند «ج» شدند

نیز آمده است: «ما از تمام نهادهای انقلابی، بخصوص دادگاههای انقلاب اسلامی می خواهیم که قاطعیت خود را در مقابل

اهالی پارس آباد و دشت مغان و کارکنان شرکت کشت و صنعت مغان در رامیمایی بزرگداشت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، با صدور قطعنامه ای خواستار اجرای هر چه سریعتر بند «ج» اصلاحات ارضی شدند. در این قطعنامه از جمله آمده است: «ما بر حسب رهنمودهای حضرات آيات عظام، منتظری، مشکینی و

هیئت های هفت نفری! زودتر عمل کنید. بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است. تکیه گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید!

دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه با بیسوادی دارد

نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه علیه بیسوادی دارند:

در کوبا، بیست و یکسال پیش، ۳۰ درصد مردم بیسواد بودند، اما یک سال بعد، نخستین کشور سوسیالیستی آمریکا بود که در آن بیسوادی یکی از میان رفته بود. کوبا امروزه کادرهای آموزشی خود را برای شرکت در نهضت سوادآموزی به کشورهای دیگر جهان، از جمله آنگولا و نیکاراگوئه گسیل می‌دارد.

در ویتنام نیز در مدتی، از نظر تاریخی بس‌کوته بیسوادی از بین رفت. در اتیوپی، اینک بیش از ۶ میلیون نفر، پایی سوادآموزی، به تحصیل مقدمات سیاست و حرفه مشغولند. در موزامبیک، مرحله دوم مبارزه با بیسوادی، با شرکت ۳۰ هزار نفر، آغاز شده است.

یکی از نخستین اقدامات دولت انقلابی نیکاراگوئه مبارزه با بیسوادی بود. کشورهای سوسیالیستی، در زمینه سوادآموزی نیز، از هیچ‌گونه کمک بیدریغ به کشورهای نوپا و انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خودداری نمی‌کنند.

بهموجب آخرین گزارش‌های "یونسکو"، امروزه در جهان ۸۱۴ میلیون نفر، یعنی در حدود یک پنجم سکنه روی زمین، از نعمت خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند. شکی نیست که توصیه‌های کنفرانس جهانی وزیران آموزش و پرورش در باره ریشه‌کنی بیسوادی (۱۹۶۵) و "چهاردهمین کنفرانس عمومی یونسکو" (۱۹۶۶) در بسیاری از کشورها بی‌نتیجه نبوده است. با این همه، تنها در سال‌های ۴۹-۱۳۳۹ شماره بیسوادان جهان به میزان ۸۳ میلیون نفر بالا رفت. بیسوادی بویژه در کشورهای آفریقا (۷۵ درصد)، آسیا (۵۰ درصد) و آمریکای لاتین (۲۵ درصد) رواج دارد. مهم‌ترین علت‌های بیسوادی را باید در میراث بهره‌کشی استعماری و نواستعماری، سرکوب اجتماعی و سیاسی و نبود زبان نوشتنی جستجو کرد.

از سوی دیگر، در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی نیز، شماره بیسوادان بیش از آنست که انتظار می‌رود: از جمله در ایالات متحده آمریکا بیش از ۱/۵ میلیون و در بریتانیا بیش از یک میلیون، علت عمده بیسوادی در اینگونه کشورها محدودیت‌های طبقاتی است.

چند پرسش و ...

بقیه از صفحه ۳

منظور از «چهارده فامیل» السالوادور چیست؟

"چهارده فامیل"، الیکارشی السالوادور را تشکیل می‌دهند. در این میان، شماره آنها به ۲۰۰ افزایش یافته است. "چهارده فامیل" نزدیک به ۶۰ درصد زمین‌های زیرکشت، ترابری همگانی، صنعت، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌بازرگانی السالوادور را در اختیار خود دارند. میان "چهارده فامیل" السالوادور و سرمایه بین‌المللی، بویژه انحصارات ایالات متحده آمریکا پیوندهای بسیار نزدیک موجود است. حاکمیت "چهارده فامیل" بر پایه نیروی ارتش، سازمان‌های شبه‌نظامی و دستگاه پیچیده امنیتی استوار است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایالات

متحده در السالوادور بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است. السالوادور در استراتژی آمریکا همواره مقامی مهم داشته است. بویژه پس از انقلاب نیکاراگوئه، السالوادور در نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نقشی فزاینده یافته است.

یکسال و نیم پیش، وایرون ویکی معاون وزارت خارجه آمریکا، و مسئول آمریکای لاتین در کنگره آن کشور، "فوریت ابتکار" ایالات متحده آمریکا را برای "اعمال تغییرات بی‌درد" در آمریکای لاتین یادآور شد. بگفته او: "نگهداشت وضع موجود در گواتمالا، السالوادور و هندوراس مسخره‌است. مسئله بوسراین نیست که در باره احتمال تغییرات به بحث بپردازیم، بلکه باید مواظب بود که چنین تغییراتی محصول قهر انقلابی نباشد".

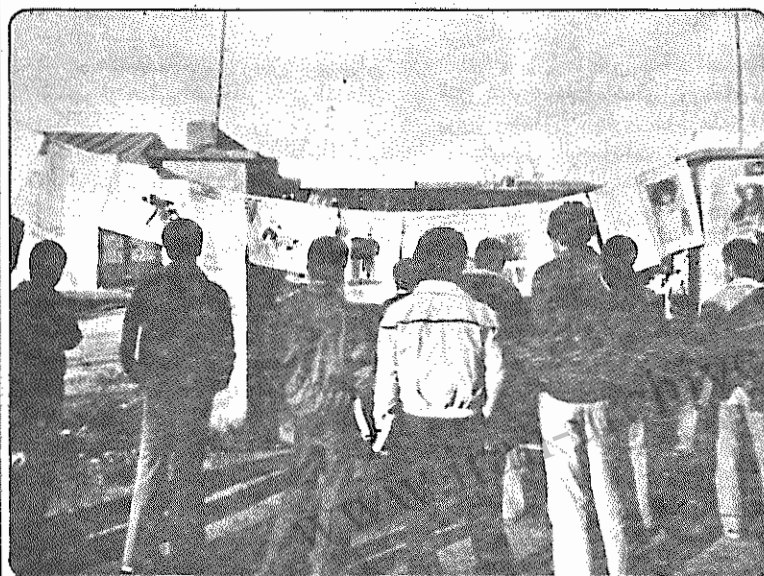
این حکم امپریالیستی هنوز نیز توجیه "ایدئولوژیک" مداخلات وسیع ایالات متحده آمریکا را در امور السالوادور و مقابله با رستاخیز ملی این کشور تشکیل می‌دهد.

وقایع دوران انقلاب در سبزوار



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان سبزوار، نمایشگاه عکسی از وقایع دوران انقلاب، همزمان با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند میهنمان، در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال گرم مردم روبه‌رو شد.

نمایشگاه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در رشت



از طرف اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رشت، نمایشگاه عکسی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، که در تاریخ دوازدهم دی ماه سال جاری در دبیرستان "نور-بخش" رشت تشکیل شد، مورد استقبال دانش‌آموزان و مردم محل قرار گرفت.

گسترش فعالیت ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان

اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان حکایت از گسترش فعالیت‌های مخرب عوامل ضدانقلاب و فئودال‌های این منطقه دارد.

در این ارتباط باید به بازگشت یکی از سران ضدانقلاب در منطقه به نام محمدحسن درخشان، که با درجه سرهنگی در ارتش عمان خدمت می‌کند، اشاره کرد. وی که چندی پیش، بدنبال شهادت ۱۱ تن از پاسداران انقلاب، به پاکستان گریخت، اکنون مدت ۲ هفته است که از طریق مسقط به «راسک»، در نزدیکی چابهار آمده و به فعالیت پرداخته است.

همچنین گریه‌بخش سعیدی، فئودال فراری و یکی از سرداران بلوچستان، که در دوران رژیم شاه ملعون صاحب ده «گرم‌بیده» (نزدیکی راسک) و مالک زمینهای زیادی بود و فعلا در پاکستان تحت حمایت رژیم ضیاعالحق به توطئه‌گری علیه انقلاب مشغول است، چندی پیش به این ده آمد و ادعای سهم (۱) خود را کرد. لازم به تذکر است که ده «گرم‌بیده» پس از انقلاب، توسط جهاد سازندگی استان در اختیار مردم قرار گرفت و اینک توسط مردم زیر کشت رفته است. مردم این روستا، در برابر «گریه‌بخش سعیدی» و عمالش، که خواستار بازپس گرفتن زمین‌های ده بودند، قاطعانه ایستادند و ویرش آنان را در این جهت خنثی کردند. بدنبال همین واقعه، این فرد ضدانقلابی به پاکستان گریخت، تا آنجا با امکانات بیشتر و بهتر علیه انقلاب توطئه کند.

ماتوجه مقامات مسئول استان و بخصوص سپاه پاسداران انقلاب را به این اخبار، که حکایت از گسترش فعالیت عوامل ضدانقلاب دارد، جلب می‌کنیم و انتظار داریم که با برخورد قاطع و انقلابی با این عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی پاکستان، هرگونه زمینه فعالیت آنان خنثی شود.

حقوق کارکنان دفاتر اسناد رسمی را پرداخت کنید

بوسیله مسئولین (کانون سردفتران، سازمان ثبت اعلام جرم می‌نمائیم. با امضای حدود ۵۰ تن از کارکنان، ما از مقامات مسئول کشور و شخص آیت‌الله موسوی اردبیلی خواستاریم که با رسیدگی به خواست کارکنان زحمتکش دفاتر ثبت اسناد، مانع از تاراجی آنان شوند و از سودجویی عده‌ای که به نام «کانون سردفتران» به ضرر اکثریت کارکنان این دفاتر، تروتپای هنگفت اندوخته‌اند، جلوگیری کنند.

شما بعنوان حافظ و ناظر اجرای قوانین اعلام می‌کنیم که ماده واحده مصوبه ۳۳۰۹ شورای انقلاب درباره کمک به کارکنان دفاتر اسناد رسمی (که از اقتدار مستضعف جامعه هستند) تاکنون عملی نشده. از شما که صیانت از قوانین این جمهوری را بعهده دارید، مصرأ می‌خواهیم که نگذارید قوانین مصوبه، ملغیه دست‌گستاخانه عده‌ای از سردفتران اسناد رسمی گردیده و با اعمال فشار و تشبثات اجرای قوانین جمهوری اسلامی را مسکوت نموده و یا بعهده تمسویق اندازند و نسبت به عدم اجرای قانون

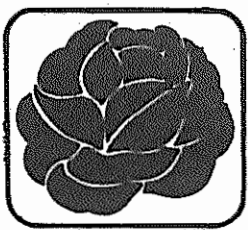
گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی، در تاریخ ۱۵ بهمن ۵۹، طی نامه‌ای به آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، خواستار پرداخت وجوهی شدند، که طبق ماده واحده شورای انقلاب بایستی دریافت کنند. این نامه، که امضای حدود ۵۰ تن از کارکنان را دارد، به شرح زیر است: «حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان محترم کل کشور ما گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی تهران، در آستانه آغاز سویمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به



منظره‌ای از حکومت نظامی دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در السالوادور

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تقویم سال نو



۱۳۶۰

منتشر شد

کمبود مصنوعی ساعت در بازار

ولی با جستجوی بیشتر در بازار و گفتگو با قتی چند از فروشندگان ساعت، این نتیجه عاید میشود که چون دولت قصد دارد ساعت‌های مارکدار را خود از خارج وارد کند و کنترل قیمت آنها را در دست بگیرد، از هم‌اکنون سرمایه‌داران بزرگ ساعت‌ها را از بازار جمع کرده‌اند، تا در یک موقعیت مناسب، ساعت‌های مارکدار و معروف را با نرخ گرانتری عرضه کنند.

ما از مسئولین امر انتظار داریم که با کنترل قیمت ساعت‌ها و با تعیین نرخهای مناسب و رسمی، مانع سودجویی سرمایه‌داران بزرگ شوند.

سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌های فروش ساعت، ساعت‌های مارکدار مانند «سیتیزن»، «سیکوکو»، «گاور» و غیره را جمع‌آوری کرده‌اند، تا با ایجاد کمبود مصنوعی بتوانند بعدها با نرخ گرانتری آنها را در دسترس مشتری قرار دهند. با گشتی در مغازه‌های ساعت‌فروشی و بازار بخوبی میتوان متوجه این کمبود شد. البته دلیل فروشندگان برای این کمبود چنین است که:

«چون موقع جنگ است و کالا وارد نمیشود، به همین علت مدتی است که ساعت‌های ذکر شده، وارد نمیشود.»

چه کسی و برای...

که در دنیای سرمایه داری، آنرا با نام پس طمطراق «شناخت» پسیکولوژی افکار عمومی و غیره نام گذاری میکنند.

ما همه «جوسازی» های دوران آریامهری را برای نشان دادن «یونود شاه و مردم»! بخاطر داریم.

برخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، راه حل خاصی یافته اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لبرالها دنبال می کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه داری وابسته نمی تواند باشد) منتهی میشود.

ضدامپریالیستی و مردمی ایران، از استقلال و آزادی و ترقی ایران، از منافع زحمتکشان کوشیده ایم.

صفحات روزنامه های لبرالی را ورق بزنید: یک جا پیدا نمی کنید که نام حزب ما را بدون افزودن یک کلمه رکیک فبرده باشند.

برخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، راه حل خاصی یافته اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لبرالها دنبال می کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه داری وابسته نمی تواند باشد) منتهی میشود.

خط را بنام «اسلام» در یک خط ادغام کرد. اسلام لبرالی آمریکائی با اسلام خمینی جوش نیز در دفاع از انقلاب

دوستان نادان، شان را سرعت یافتند و آنها را به قبول «اسلام» طرفدار سرمایه داری متقاعد سازند.

برخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، راه حل خاصی یافته اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لبرالها دنبال می کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه داری وابسته نمی تواند باشد) منتهی میشود.

خط را بنام «اسلام» در یک خط ادغام کرد. اسلام لبرالی آمریکائی با اسلام خمینی جوش نیز در دفاع از انقلاب

لئونید برژنف...

شده بود، شرکت کردند و نظرات و پیشنهادهای تکمیلی خود را در جهت حک و اصلاح این سند مطرح ساختند، که بی شک محتوای غنی تری به آن بخشیده است.

در برنامه پنجاهم و دوازدهم و بقره سالهای دهه ۸۰، اعتلای سطح رفاه و آسایش مردم در تمام زمینه ها: مصرف، مسکن، فرهنگ، استراحت، شرایط کار و زندگی ادا خواهد یافت.

لئونید برژنف گفت: «تکمیل قوانین شوروی بر پایه قانون اساسی جدید اثر مفید زیادی داشته و امکان داده است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تر تنظیم کرد.

در باره سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی پرهیز میکردیم، ناگزیر راه را برای پیشرفت خط برژنسکی هموار می ساختیم.

لئونید برژنف افزود: «ماهیت و مضمون واقعی دموکراسی شوروی در ذی نفوذ بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین انتقاد و انتقاد از خود با صوابیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشود.»

شرکتهای تعاونی و موسسات دولتی کشاورزی همچنان بعنوان اساس کشاورزی سوسیالیستی باقی می ماند، ولی این بدان معنا نیست که میتوان امکانات اقتصاد خصوصی جنبی روستائی را نادیده گرفت.

لئونید برژنف گفت: «کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب نامه ای در خصوص اقدامات دیگری که برای بسط و توسعه اقتصادهای خصوصی جنبی لازم است، صادر کرد.

لئونید برژنف افزود: «جامعه شوروی، جامعه کار است. حزب کمونیست و دولت شوروی کوشیده و میکوشد تا کار انسانی نه تنها بر برهه، بلکه همچنین بر مضمون، جالب و خلاق باشد و کسار طاقت فرسا و سنگین و کسار جسمانی و بدون تخصصی از بین برده شود.

لئونید برژنف گفت: «تکمیل قوانین شوروی بر پایه قانون اساسی جدید اثر مفید زیادی داشته و امکان داده است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تر تنظیم کرد.

لئونید برژنف افزود: «ماهیت و مضمون واقعی دموکراسی شوروی در ذی نفوذ بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین انتقاد و انتقاد از خود با صوابیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشود.»

لئونید برژنف گفت: «ماهیت و مضمون واقعی دموکراسی شوروی در ذی نفوذ بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین انتقاد و انتقاد از خود با صوابیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشود.»

در فاصله بین دو کنگره ۱۸ میلیون بر تعداد اعضای حزب افزوده شده است، اکنون ۱۷ میلیون و ۴۸۰ هزار نفر در حزب کمونیست عضویت دارند، که از این عده ۴۳ درصد کادرا، ۱۴ درصد روستائیان عضو تعاونیهای کشاورزی، ۴۳ درصد روشنفکران فنی، علمی، هنری و کارکنان فرهنگ و بهداشتی و سازمانهای کشوری و لشکری هستند.

لئونید برژنف در گزارش خود، به یک مسئله مهم دیگر، یعنی لزوم توسعه خلاق تئوری، رکنیسم - لنینیسم اشاره کرد و گفت: «اگر حزب مارکسیست-لنینیست به درک تمام پدیده ها و نتیجه گیری جامع از رویدادها و تکامل خلاق تئوری مارکسیسم-لنینیسم توجه لازم را ننماید، نمیتواند نقش خود را انجام دهد.

لئونید برژنف گفت: «تکمیل قوانین شوروی بر پایه قانون اساسی جدید اثر مفید زیادی داشته و امکان داده است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تر تنظیم کرد.

لئونید برژنف در پایان گزارش خود گفت: «قرن بیستم نسبت به قرن پیش تحولات بزرگتری به همراه آورده است و هیچ کشوری مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، زادگاه انقلاب اکبر و نخستین کشور سوسیالیسم پیروز، در این تحولات سهم نبوده است.»

لئونید برژنف افزود: «مردم شوروی با اطمینان به آینده خود می نگرند، ولی این اطمینان غرورناز پروردگان سرنویست نیست. ملت ما میداند که آنچه دارد، ثمره کار و کوشش خود اوست. خوش بینی ما از ایمان ما به نیروی کار، از ایمان ما به نیروی میهن و مردم خویش سرچشمه میگردد. خوش بینی ما از ایمان ما به حزب خودمان، سرچشمه میگردد، زیرا میدانیم که حزب یگانه راه درست را نشان میدهد.»



پیگرد مخالفان جنگ در آمریکا

شرکت کنندگان در جنبش مخالفت با جنگ مورد تعقیب مقامات دولتی آمریکا قرار میگیرند. در دادگاه شهر «نوریس تاون» در ایالت پنسیلوانیا، هشت تن از شرکت کنندگان در این جنبش به علت مخالفت با سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی دولت آمریکا مجرم شناخته شدند و در انتظار صدور حکم دادگاه مبنی بر محکومیت خود، در زندان بسر میبرند.

کشف توطئه «سیاه» در دومینیکن

طبق گزارش خبرگزاری «پرنسالتینا» مقامات رسمی دولت جدید دومینیکن اعلام کردند که یک توطئه ضد دولتی، که از جانب سازمان جاسوسی آمریکا «سیاه» سازمان یافته بوده، کشف شده است. در اطلاعیه نخست وزیری دومینیکن خاطر نشان شده است که پاتریک جان، نخست وزیر سابق و فردیک ویلسون فرمانده نیروهای مسلح، عاملین اصلی این توطئه، که دستگیر شده اند، قصد کودتا علیه دولت قانونی کشور را داشته اند. این دو نفر در یکی از جزایر مجاور دومینیکن با مأموران «سیاه» آمریکا تماسهایی برقرار کرده بودند و برنامه کودتا را با همکاری مأموران «سیاه» طرح ریزی کرده اند. در این اطلاعیه آمده است که اعتبارات مالی و کمکهای تسلیحاتی توطئه گران از جانب آمریکا تامین شده است.

شمار بیکاران در انگلستان به ۲ میلیون

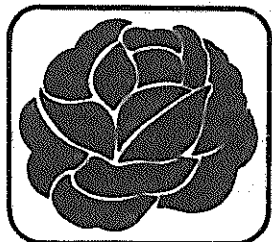
و پانصد هزار نفر رسیده است

طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فعال کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فعال کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که

هر چه زودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع - آوری شده ساواک شیراز جلوگیری کنید!

هر چه زودتر از نابودی مدارک و اسناد جمع آوری شده ساواک شیراز، که اینک بر پشت بام کمیته امداد این شهرستان در معرض خطر است، باید جلوگیری کرد. طبق اطلاعات رسیده، مدارک و اسناد جمع آوری شده از ساواک شهرستان شیراز، اینک بر پشت بام کمیته امداد (کاخ پذیرائی - استانداری سابق) در معرض برف و باران و نابودی است. ما از مقامات مسئول مصرانه میطلبیم که هر چه زودتر از نابودی این مدارک مهم جلوگیری کنند، که از بین رفتن آنها، به نفع ضد انقلاب و ساواکیها است.

تقویم سال نو



۱۳۶۰

منتشر شد

نامه مردم

از گمان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 464 10 March 1981

Table with 2 columns: Price, West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

خالد بکتاش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه: «رقابت دو ابر قدرت - ساخت زرادخانه مائوئیستی است»

نظامی تلقی شود. تنها کسانی که فاقد ینش طبقاتی و شناخت واقع بینانه از جهان هستند، میتوانند چنین تصویری داشته باشند. داشتن چنین تصویری، چه آگاهانه و چه از روی عدم آگاهی، بزرگان انقلابهای خلقی و جنبشهای رهایی بخش است. واقعیت دوران ما عبارت از آنست که اکنون مبارزه ای سرنوشته ساز میان خلقها و همه نیروهای آزادیخواه، که در راه رهایی و استقلال خود مبارزه میکنند، با نیروهای ارتجاع و امپریالیسم جهانی، که آنها را سرکوب و استقلال و آزادی آنها را سلب میکنند، در عرصه جهانی در گرفته است. در راس نیروهای نخست، اتحاد شوروی و در راس نیروهای دوم، امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است. تمام خلقهایی که در راه استقلال و آزادی خود علیه امپریالیسم پیکار کرده اند، این واقعیت را دریافته اند، زیرا همه آنها از پشتیبانها و کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی برخوردار بوده اند.

خالد بکتاش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد، طی سخنرانی خود در کنفرانس اظهار داشت: «دستگاه تبلیغاتی پکن تلاشی دارد که در توجیه سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا و سیاست توسعه طلبانه خود، مبارزه میان دو جهان سوسیالیسم و سرمایه داری را «رقابت» میان «دو ابر قدرت» آمریکا و شوروی وانمود کند. متأسفانه در کشورهای هم که از بندهای نواستعماری و وابستگی به امپریالیسم رهایی یافته اند، از جانب مخالف ارتجاعی این نظریه تبلیغ میشود».

خالد بکتاش گفت: «این اشتباه بزرگ و حتی جنایت است که تمام مبارزات طبقاتی و رهایی بخش خلقها در جهان، «رقابت» میان «دو ابر قدرت» و یا دو گروه بندی

پرتاب هشت ماهواره به مدار زمین

در اتحاد شوروی، طبق برنامه های علمی و پژوهشی کیهانی، هشت ماهواره بوسیله یک موشک از نوع «کاسموس» به فضا پرتاب شدند و در مدار زمین قرار گرفتند. این ماهواره ها در گردش خود در مدار زمین یک رشته پژوهشهای کیهانی انجام خواهند داد. از سال ۱۹۶۲ تاکنون متجاوز از ۱۲۰۰ ماهواره از این نوع به منظور پژوهشهای کیهانی به مدار زمین فرستاده شده اند.

یورش پلیس پاکستان

به نیروهای دمکراتیک کشور

طبق گزارش خبرگزاری رویتر در پاکستان، یورش جدید مأموران پلیس کشور علیه مخالفان رژیم دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور آغاز گردیده و عده ای بازداشت شده اند. بانو نصرت بوتو، همسر ذوالفقار علی بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان، از جمله بازداشت شدگان است. بانو نصرت بوتو رهبر حزب خلق است، که از جانب دولت غیرقانونی اعلام شده است. علاوه بر بانو نصرت بوتو، ۵۰ تن دیگر از اعضای این حزب و مظهر علی خان دبیر کل شورای طرفداران صلح پاکستان، بازداشت شده اند. در شهرهای لاهور، راولپنڈی و اسلام آباد، مأموران پلیس بسیاری از منازل اهالی شهر را مورد بازرسی قرار داده اند.

حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

متواری شدند. رزمندگان نیروی زمینی در جبهه سوسنگرد مواضع دشمن را زیر آتش شدید توپخانه قراز دادند که در نتیجه یک تانک و یک تانکر سوخت نیروهای عراقی منهدم و به آتش کشیده شد و حدود ۴۰ نفر از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند. دلوران ما همچنین در جبهه کرخه موفق شدند دو دستگاه نفربر، دو کامیون و بیش از ده سنگر دشمن را با خدمه آنها از بین ببرند. در جبهه خرمشهر جانبازان نیروی دریایی به آتش دشمن پاسخ دادند و مواضع دشمن در قسمت اشغالی این شهر را زیر آتش سلاحهای خود قراز دادند، که در نتیجه تعدادی از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند.

یک انبار مهمات و بیش از ده سنگر انفرادی، اجتماعی دشمن و یک سنگر تیربار با خدمه آن را نابود سازند. روز شانزدهم اسفند سه نفرند از هواپیماهای متجاوز عراق که قصد تجاوز به خاک ما را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱ از نیروهای عراقی کشته شدند و دو نفر از افراد ارتش عراق به اسارت درآمدند. همچنین در این روز نیروهای خودی در جبهه های آبادان به آتش نیروهای عراقی پاسخ دادند و با اجرای آتش توپخانه و خمپاره انداز توانستند یک تانک، چهار خودرو، یک لودر،

خودداری از هرگونه اعتصاب، تحسن و درگیری در محیطهای کار است. مشکلات کار و زندگی کارگران دروضع فعلی می تواند و باید از راه مذاکره و شیوه های مسالمت طرح و حل گردد. امید است که کارگران واحدهائی که به اعتصاب کشانده شده اند، با همین برداشت به سرکارهای خود بازگردند. کارگران با ابراز هوشیاری طبقاتی، حیلۀ ضد انقلاب را، که می خواهد با استفاده از بسط دامنه اعتصابات توطئه جدید امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، را علیه انقلاب ایران به اجرا بگذارد، عقیم می گذارند.

طبیعی است که دولت انقلاب نیز نمی تواند فارغ از برداشت اصولی نسبت به عدم رضایت در بین کارگران و زحمتکشانش باشد. متأسفانه دست دولت در افزایش دستمزدها و پرداخت پاداش و سود سالیانه نکارگران مانند سالهای قبل، بسته است. اقدام به برخی محدودیتها در این زمینه برای قاطبه کارگران و زحمتکشانش قابل درک است. اما دست دولت در جلوگیری از گرانی، پائین آوردن قیمتها و سهار کردن تورم بسته نیست. از راه تسریع در سهمیه بندی کالاها اساسی، توزیع اجناس ضروری و میوه، با قیمت های ثابت، در محیطهای کار و نظایر این اقدامات، هم اکنون می توان قدمهای جدی برداشت.

با تمرکز ذخایر کالائی در دست دولت، حتی میوه های نگاهداری شده در سردخانه ها، بسط توزیع دولتی، تعاونی و خرده فروشی، طرد تاجر بزرگ وابسته، عمده فروشان و محتکران از میادله و، خلاصه کلام، ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی داخلی می توان و باید تسهیلات جدی در عیشت کارگران، زحمتکشانش و همه مردم فراهم آورد.

کارگران و زحمتکشانش بوظیفه و مسئولیت انقلابی خود عمل می کنند و از توسل به حربه های اعتصاب، تحسن و درگیری در محیطهای کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری می کنند. دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را جدی بگیرد.

کشاندن کارگران ...

بقیه از صفحه ۱ بعنوان بخشی از دستمزد پرداخت نشده، خود هستند، در همانحال مشکلات مالی کارخانه ها و دولت، که ناشی از خرابکاریهای ضدانقلاب و جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا به کشورمانست، بر کسی پوشیده نیست.

در مجموع و با در نظر گرفتن اینکه زمینهای عدم رضایت ناشی از گرانی، تورم و نظایر آن یکی از علل مهم اعتصابات کارگران است، نمی توان پوشیده داشت که، تحریکات ضد انقلاب علت اصلی در بروز این درگیریهاست. دست مرئی و نامرئی ضدانقلاب محیطهای کارگری را به سمت اعتصاب، تحسن و درگیری سوق می دهد. این آن واقعیت اصلی است، که کارگران و زحمتکشانش باید به آن توجه کنند و نسبت به حوادثی نظیر اعتصاب و تحسن در شرایط کنونی، همانطور که ما قبلاً نیز یادآور شده ایم، برخورد انقلابی و با مسئولیت داشته باشند. اینکه می گوئیم دست ضدانقلاب برای ایجاد اعتصاب و تحسن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی بکار افتاده، تنها یک ادعا نیست.

در جریان تظاهرات دانشگاه در روز ۱۴ اسفند ۵۹، اعلامیه ای بنام «کارگران اعتصابی کفش ملی» انتشار یافت، که در آن گفته میشد که گویا سپاه پاسداران با گاز اشک آور به کارگران حمله ور شده است. چنانکه کارگران خود می دانند، این دروغی بیش نیست و هدف آن لکه دار ساختن دامن یکی از پاکترین ارگانهای انقلابی است، که از میان انقلاب و خود زحمتکشانش بر خاسته است.

همچنین در ایجاد اعتصاب و درگیری در کارخانه بنز خاور دست افراد مشکوک دیده می شود، که تا بحال چندین نوبت در ایجاد تشنج در محیط کار دخالت داشته اند. شایعات مربوط به اخراج ۳۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد نیز از همین قبیل است. هدف آنست که مجدداً این شرکت را به اعتصاب بکشانند.

تنها در تهران نیست که ضدانقلاب ایجاد اعتصاب و تحسن را در واحدهای بزرگ صنعتی نشانۀ رفته و به شیوه «گروگانگیری» که شیوه آفاریستی مردودی است و گروههای مائوئیستی - آمریکائی به آن دامن میزنند، توسل می جوید. در شیراز نیز ایجاد اعتصاب و درگیری در واحدهای بزرگی نظیر پالایشگاه و کودشیمیایی و خط لوله مورد توجه نیروهای ضدانقلاب و مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا است.

پیداست که در چنین شرایطی، کارگران و زحمتکشانش ایران نه فقط دست به اعتصاب و تحسن نمی زنند، و نه فقط شیوه های مطرود «گروگانگیری» و ایجاد درگیری با ارگانهای انقلابی و دولت انقلاب را مردود می شمارند، بلکه تحمل انقلابی در برابر مشکلات ناشی از گرانی و تورم را بر خود فرس می دانند. برداشت همه کارگران و زحمتکشانش ایران در شرایط کنونی